

«بازخوانی نقش تمدن‌ساز حوزه‌های علمیه در بازسازی دینی و اخلاقی جامعه اسلامی»

مهری خیمه کبود^۱

چکیده:

حوزه‌های علمیه به‌عنوان یکی از پایدارترین نهادهای معرفتی و فرهنگی در جهان اسلام، نقش مهمی در تبیین معارف دینی، تربیت نیروی علمی و هدایت اخلاقی جامعه ایفا کرده‌اند. تحولات فرهنگی، رسانه‌ای و اجتماعی دهه‌های اخیر ضرورت بازخوانی جایگاه تمدن‌ساز حوزه را برجسته ساخته است. هدف این پژوهش، تحلیل کارکردهای علمی، فرهنگی، تبلیغی و اجتماعی حوزه‌های علمیه و تبیین ظرفیت‌های آن‌ها در بازسازی دینی و اخلاقی جامعه اسلامی است. روش تحقیق به‌صورت توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حوزه از طریق تولید معرفت دینی، تربیت عالمان زمان‌شناس، پیوند میان آموزش، پژوهش و تبلیغ، و حضور فعال در عرصه‌های فرهنگی-اجتماعی، نقش محوری در تقویت هویت دینی و بازسازی اخلاق جامعه دارد. تحقق این نقش نیازمند تحول در ساختار آموزشی، روزآمدسازی متون، تقویت علوم انسانی اسلامی، ارتقای سواد رسانه‌ای و مهارت‌های ارتباطی، و گسترش تعامل میان حوزه و نهادهای فرهنگی است. بر این اساس، حوزه‌های علمیه تنها نهاد آموزشی نیستند، بلکه ظرفیت آن را دارند که به‌عنوان یک عامل اصلی در شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی ایفای نقش کنند.

واژگان کلیدی:

حوزه‌های علمیه، تمدن‌سازی اسلامی، بازسازی دینی، بازسازی اخلاقی، نقش فرهنگی و اجتماعی.

^۱ - طلبه سطح ۳، ایمیل: mehri.kh.6262@gmail.com
۰۹۱۹۰۲۶۹۴۲۶

۱- مقدمه :

در عصر حاضر، جوامع اسلامی با مجموعه‌ای از بحران‌های هویتی، اخلاقی و فرهنگی روبه‌رو هستند؛ بحران‌هایی که بخشی از آن ناشی از تأثیرات گسترده گفتمان مدرنیته، جهانی‌شدن و تهاجم نرم رسانه‌ای است. این تحولات سبب شده است ارزش‌ها و هنجارهای دینی در سطح فردی و اجتماعی با چالش مواجه شوند، جایگاه اخلاق و معنویت در زندگی روزمره کمرنگ گردد و نسل‌های جوان بیش از گذشته نیازمند الگوهای هویتی و اخلاقی روشن باشند. در چنین شرایطی، حوزه‌های علمیه که قرن‌ها به‌عنوان مهد صیانت از دین، تبیین آموزه‌های اخلاقی و تربیت عالمان دین ایفای نقش کرده‌اند، امروز نیز جایگاهی محوری در بازسازی فرهنگی و اخلاقی جامعه دارند و رسالت آنان صرفاً در نقش سنتی آموزش دینی خلاصه نمی‌شود. با عبور از نقش محدود به آموزش معارف، حوزه‌ها با ضرورت ایفای نقش تمدن‌ساز روبه‌رو هستند؛ نقشی که اقتضا می‌کند نه تنها به تربیت فقیهان و معلمان اخلاق بپردازند، بلکه با بازتولید گفتمان دینی و اخلاقی، حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای داشته باشند و فرآیند بازسازی هویت دینی و اخلاقی جامعه را هدایت کنند.

اهمیت پرداختن به این موضوع از آنجاست که بخش قابل توجهی از آسیب‌های فرهنگی، اخلاقی و هویتی جامعه اسلامی، ریشه در نوعی گسست میان نظام معرفتی حوزه‌های علمیه و نیازها و الزامات زیست اجتماعی معاصر دارد. تحولات شتابان فرهنگی، رسانه‌ای و اجتماعی دهه‌های اخیر موجب شده است شیوه‌های سنتی تبیین آموزه‌های دینی نتواند به‌تنهایی پاسخگوی نیازهای نسل جوان باشد و این نسل با خلأهای هویتی و اخلاقی روبه‌رو گردد. از این رو، بازخوانی نقش تمدن‌ساز حوزه‌های علمیه می‌تواند مسیر تازه‌ای برای هم‌پیوند کردن معرفت دینی با مسائل و دغدغه‌های واقعی جامعه فراهم آورد و زمینه احیای اخلاق و معنویت را در سطح فردی و جمعی در چارچوب تمدن نوین اسلامی تقویت کند.

هدف اصلی پژوهش آن است که نشان دهد حوزه‌های علمیه چگونه می‌توانند از نقش سنتی آموزشی فراتر روند و با تلفیق علم، اخلاق، فرهنگ و فعالیت اجتماعی، جایگاه تمدن‌ساز خود را در جامعه معاصر تثبیت کنند. از دل همین هدف، پرسش اصلی تحقیق شکل می‌گیرد: بازخوانی نقش تمدن‌ساز حوزه‌های علمیه در بازسازی دینی و اخلاقی جامعه اسلامی چگونه تحلیل می‌شود. برای پاسخ دقیق‌تر به این پرسش، سؤالات فرعی نیز مطرح می‌شوند که عبارت‌اند از این که جایگاه تمدن‌ساز حوزه‌های علمیه در منظومه فکری اسلام و انقلاب اسلامی چگونه تبیین شده است؛ کارکردهای دینی، اخلاقی و فرهنگی حوزه‌ها در بازسازی جامعه اسلامی چگونه تحلیل می‌شود؛ و در نهایت، چه راهبردهای نوینی برای تحقق نقش تمدن‌ساز حوزه در شرایط جدید جهانی و رسانه‌ای می‌توان ارائه کرد.

ضرورت این پژوهش، از منظر عملی و تمدنی قابل تبیین است، زیرا شناسایی دقیق کارکردهای علمی، فرهنگی و اخلاقی حوزه‌ها، تبیین موانع و چالش‌ها و طراحی راهبردهای تحول می‌تواند به سیاست‌گذاری هدفمند برای تقویت نقش اجتماعی و تمدنی حوزه‌ها یاری رساند. نتایج این تحقیق قادر است مسیر تازه‌ای برای ارتقای اثرگذاری حوزه‌ها در تربیت عالمان دین، هدایت اخلاقی جامعه و تقویت هویت اسلامی ترسیم کند و زمینه حضور فعال‌تر آنان را در فرآیند تمدن‌سازی فراهم آورد.

۲- پیشینه تحقیق:

۱-۲- پیشینه عام:

در سطح کلان، پژوهش‌هایی درباره‌ی نقش مراکز علمی در نظام فرهنگی و اجتماعی انجام شده است؛ مانند مقاله‌ی «نقش آموزش عالی در مهندسی فرهنگی جامعه اسلامی» (منافی شرف آبادی، ۱۳۹۲) این مقاله از نمونه‌های مهمی است که چارچوبی

کلان برای نسبت میان تولید معرفت و بازسازی هویت فرهنگی ارائه می‌دهد. این مقاله با تأکید بر کارکردهایی چون رسالت فرهنگی، آینده‌پژوهی، تربیت هویتی و نظریه‌پردازی، نشان می‌دهد که نهادهای علمی قادرند در سامان‌دهی ارزش‌ها و هدایت تحولات فرهنگی نقش‌آفرینی کنند و از این جهت به‌عنوان پیشینه‌ای اعم برای موضوع حاضر قابل استفاده است. با این حال، دامنه این پژوهش محدود به دانشگاه‌هاست و فاقد تحلیل تمدنی، دینی و اخلاق‌محور نقش نهادهای دینی و به‌ویژه حوزه‌های علمیه است؛ در نتیجه، ابعاد الهیاتی، ماموریت و حیانی، و نقش تاریخی حوزه در بازسازی اخلاقی و تمدنی جامعه را پوشش نمی‌دهد. مقاله حاضر با عبور از این محدودیت و با تمرکز بر ظرفیت تمدن‌ساز حوزه‌های علمیه، جایگاه ویژه این نهاد در بازسازی دینی، اخلاقی و فرهنگی جامعه اسلامی را واکاوی می‌کند؛ امری که در پژوهش مذکور مغفول مانده است. از این رو، ضمن بهره‌گیری از آن مقاله به عنوان پیشینه‌ای عام، پژوهش حاضر در سطحی عمیق‌تر و با رویکردی دین‌بنیاد، خلا نظری موجود را پوشش می‌دهد و افق تازه‌ای در تبیین نقش تمدنی حوزه‌های علمیه می‌گشاید.

یکی دیگر از مقالاتی که به عنوان پیشینه عام مقاله حاضر می‌توان از آن اسم برد، مقاله «نقش حوزه انقلابی در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای (زید عزه)» (ضابط پور کاری، ۱۳۹۶) است. این مقاله با تمرکز بر اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، نقش «حوزه انقلابی» را در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که حوزه چگونه می‌تواند در فرایند تمدن‌سازی اسلامی نقش فعال، راهبردی و هدایت‌گر ایفا نماید. در عین حال، از آنجا که این پژوهش بیشتر بر «گفتمان انقلاب اسلامی» و کارکردهای کلان تمدنی حوزه از منظر رهبری متمرکز است، می‌تواند به‌عنوان پیشینه‌ای عام برای بحث بازخوانی نقش تمدن‌ساز حوزه‌های علمیه در بازسازی دینی و اخلاقی جامعه اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. با این همه، محدود به تبیین کلان تمدن‌سازی است و وارد تحلیل میدانی، کارکردهای بازسازی دینی و اخلاقی، و نسبت حوزه با نیازهای روز جامعه نشده است؛ درحالی‌که پژوهش در حال تدوین با رویکردی جزئی‌تر، مسئله‌محورتر و مبتنی بر بازسازی دینی- اخلاقی، خلأ موجود را جبران می‌کند. بدین‌سان، در حالی که مقاله مذکور چشم‌اندازی کلان از حوزه انقلابی ارائه می‌دهد، پژوهش حاضر با واکاوی نقش تربیتی، اخلاقی، معرفتی و اجتماعی حوزه‌های علمیه، دامنه تحلیل را به سطحی عمیق‌تر و کاربردی‌تر ارتقا می‌دهد و از این جهت نسبت به آن دارای برتری نظری و رویکردی است.

۲-۲ - پیشینه خاص:

در سطح اختصاصی‌تر، آثاری مانند نقش حوزه‌های علمیه در صیانت دین در جوامع اسلامی (موسوی و همکاران، ۱۴۰۱) و نقش دانشگاه و حوزه‌های علمیه در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا (رمضان‌علی، ۱۳۹۲) به تحلیل ابعاد فرهنگی، اخلاقی و تمدنی حوزه در برابر تهدیدات نرم و اخلاقی معاصر پرداخته‌اند. این مقاله با رویکردی دفاعی، سه کارکرد اعتقادی، اخلاقی و فقهی حوزه را در برابر انحرافات تحلیل کرده است. این مقاله گرچه در تبیین نقش حفاظتی حوزه موفق است، اما از نگاه ایجابی و تمدنی به بازسازی اجتماعی غافل مانده است. در مقابل، مقاله حاضر با عنوان «بازخوانی نقش تمدن‌ساز حوزه‌های علمیه»، با عبور از رویکرد صرفاً صیانتی، به تحلیل نقش فعال و سازنده حوزه در فرآیند احیای تمدنی و بازسازی اخلاقی جامعه اسلامی می‌پردازد و افق نظری گسترده‌تری را نمایان می‌سازد. با این حال، هیچ‌یک از پژوهش‌ها به‌طور جامع و تحلیلی به بازخوانی نقش تمدن‌ساز حوزه در بازسازی دینی و اخلاقی جامعه اسلامی نپرداخته‌اند؛ از این رو، این تحقیق می‌کوشد این خلأ نظری را جبران کند.

۳- مفهوم‌شناسی:

مهم‌ترین واژگان کلیدی پژوهش حاضر عبارت است از:

تمدن، به عنوان عالی‌ترین تجلی نظم اجتماعی و فرهنگی بشری، از سوی اندیشمندان با تعبیر گوناگونی تبیین شده است که در کانون اغلب آنها، مفاهیمی همچون دین، اخلاق و معنویت جایگاهی محوری دارد. از نگاه جامعه‌شناسانی چون لالاند، تمدن مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال، شامل جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیبایی‌شناختی، فنی و علمی در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط است (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۹۹). ابن‌خلدون، از پایه‌گذاران جامعه‌شناسی، به‌صراحت در نظریه خود، هفت عامل از جمله «دولت، رهبری، قانون دینی و عرفی، اخلاق، کار، صنعت، جمعیت و ثروت» را سهمیم در ساخت تمدن می‌داند و بر این باور است که نه تنها بدون اخلاق و دین، تمدنی ممکن نیست، بلکه برای نظم‌بخشی، بقا و پیشرفت آن، باید دستورات اخلاقی را به کار بست (رادمنش، بی‌تا، ص ۱۷). توین‌بی نیز با تأکید بر جنبه معنوی، تمدن را «تلاش برای آفریدن جامعه‌ای» می‌داند که در آن همه افراد بتوانند در هم‌نواپی و هماهنگی چونان اعضای یک خانواده زندگی کنند (توین‌بی، ۱۳۷۶، ص ۴۸). ویل دورانت، مورخ نامدار، تمدن را نظم اجتماعی می‌داند که خلاقیت فرهنگی را امکان‌پذیر می‌سازد و چهار رکن اساسی پیش‌بینی اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش برای معرفت و هنر را برای آن برمی‌شمارد. او تصریح می‌کند که اخلاق، به عنوان عامل سوم تمدن، بر پایه دین و هاله تقدسی که دین بر گرد مقررات اخلاقی ایجاد می‌کند، مؤثر واقع می‌شود (دورانت، ۱۳۶۵، ص ۳). همچنین، وی انتقال میراث فرهنگی و سنت‌های اخلاقی را شرط ضروری تحول انسان و تداوم تمدن می‌داند (دورانت، ۱۳۹۲، ص ۴). در دیدگاه اندیشمندان اسلامی، این تأکید بر بُعد معنوی و انسان‌ساز تمدن، پررنگ‌تر می‌شود. امام خمینی (ره) مهم‌ترین عنصر تمدن را در توان انسان‌سازی و بعد معنوی آن می‌دانستند و تمدنی را شایسته می‌خواندند که با تکیه بر دین، استعداد تعالی انسان در ابعاد مادی و معنوی را فراهم آورد (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص ۳۶۸). شهید مطهری تمدن حقیقی را مجموعه‌ای می‌دانست که کمال و استعداد‌های انسان را تعریف کرده و جامعه را به گونه‌ای سامان دهد که انسان به نهایت کمال فرهنگی و معنوی خویش نائل آید (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۴۲). از نظر علامه جعفری نیز تمدن، برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسانی است تا تصادم‌ها و تزارحم‌های ویرانگر به مسابقه‌ای در مسیر رشد و کمال تبدیل شود (جعفری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۳۳). با جمع‌بندی این دیدگاه‌ها می‌توان دریافت که تمدن، صرفاً مترادف با پیشرفت‌های مادی نیست، بلکه نظامی اجتماعی قانونمند، نهادینه و دارای عمر طولانی است که بر پایه‌ای از عقلانیت، اخلاق و معنویت استوار گشته و هدف نهایی آن، تعالی و کمال انسان در سایه هماهنگی و نظم است. بنابراین، علم، دانش، عقلانیت، معرفت دینی و اخلاق، عناصر سازنده و جدانشدنی هر تمدن، به‌ویژه تمدن اسلامی، به شمار می‌آیند (زمانی، ۱۳۹۰، ص ۵۶). این فهم از تمدن، جایگاه بی‌بدیل نهادهای صیانت‌گر و ترویج‌گر دین و اخلاق، همچون حوزه‌های علمیه، را در فرآیند تمدن‌سازی آشکار می‌سازد.

۳-۲-اخلاق اجتماعی:

حوزه‌های علمیه به عنوان نهادهای اصیل دینی، با ترویج و تعمیق «اخلاق اجتماعی» مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، نقش بی‌بدیلی در بازسازی اخلاقی جامعه ایفا می‌کنند. این نهاد با استناد به مبانی قرآنی مانند اصل «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى» (المائدة: ۲) و روایاتی همچون «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ... إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ» (ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۳۵) که بر مسئولیت‌پذیری جمعی و احترام متقابل تأکید دارند، به تربیت عالمانی همت می‌گمارد که با الگوسازی عملی و تبلیغ گفتمان اخلاق‌محور، زمینه‌ساز تحکیم پیوندهای اجتماعی و تقویت روحیه اخوت و تعهد جمعی در جامعه می‌شوند. این فرآیند، محور اصلی تحقق تمدن نوین اسلامی و مقاوم‌سازی فرهنگی در برابر آسیب‌های اخلاقی است.

۳-۳-بازسازی دینی:

بازسازی دینی به معنای احیا و بازفهمی دوباره معارف دینی با تکیه بر اصول ثابت و اجتهاد پویا، و متناسب‌سازی آن با نیازهای نوپدید اجتماعی و فرهنگی است. این فرایند نه تغییر در مبانی دین، بلکه فعال‌سازی ظرفیت‌های اصیل دین برای هدایت جامعه در عصر جدید است. از دیدگاه شهید مطهری، بازسازی دینی یعنی «بازگشت به قرآن و سنت همراه با ارائه فهمی نو و زنده از دین در برابر نیازهای زمان» (مطهری، ۱۳۵۸، ص ۶۵). علامه طباطبایی نیز بر ضرورت «تحقیق مستمر در معارف دینی و تفسیر آن‌ها مطابق اقتضائات عقلایی روز» تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱). در نگاه اندیشمندان معاصر، بازسازی دینی با سه مؤلفه اصلی شناخته می‌شود: بازفهمی آموزه‌ها، روزآمدسازی شیوه ارائه و کارآمدسازی دین در عرصه اجتماعی (سروش، ۱۳۶۷، ص ۱۸). هدف نهایی آن ایجاد پیوند میان سنت دینی و زندگی معاصر و فراهم کردن امکان حضور هدایت‌گر دین در ساختار اخلاقی و تمدنی جامعه اسلامی است.

۴- حوزه‌های علمیه صیانت‌گران دین و اخلاق:

حوزه‌های علمیه در تاریخ اسلام، یکی از ریشه‌دارترین و مؤثرترین نهادهای اجتماعی و معرفتی‌اند؛ نهادی که امتداد رسالت انبیا در حفظ دین، تربیت اخلاقی جامعه و اقامه‌ی عدالت را بر عهده دارد. این جایگاه بلند، مبتنی بر حدیث مشهور «العلماء ورثة الأنبياء» است؛ حدیثی که در منابع معتبر شیعه همچون الکافی، بصائر الدرجات، کنز العمال و بحارالانوار نقل شده است (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۲؛ صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۰؛ متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۱۴۶؛ مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۹۲). بر اساس این روایت، رسالت علمای دین و حوزه‌های علمیه، نه صرفاً آموزش الفاظ، بلکه ادامه‌ی راه انبیا در هدایت معنوی و اخلاقی امت است.

در اندیشه اسلامی، وظیفه‌ی پیامبران بر محور سه مأموریت «تعلیم کتاب»، «تزکیه‌ی نفوس» و «اقامه‌ی قسط» استوار است. قرآن کریم در وصف رسالت آنان می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ای تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت بر خیزند.» (حدید/۲۵).

حوزه‌های علمیه به‌عنوان استمرار این مسیر، مأموریت دارند معارف وحی را تبیین کنند، اخلاق دینی را در جامعه گسترش دهند و زمینه‌ی تحقق عدالت اجتماعی را فراهم آورند. پژوهشگران معاصر نیز این سه رسالت را متناظر با سه کارویژه‌ی اصلی حوزه، یعنی «صیانت از عقاید»، «تربیت اخلاقی» و «تبیین و اجرای احکام» دانسته‌اند (موسوی، ۱۴۰۱، ص ۲۴۷-۲۵۴).

شیخ طوسی در الغیبه جایگاه علما را در عصر غیبت گواه روشنی بر این استمرار می‌داند و تصریح می‌کند که علما حجت الهی بر مردم‌اند و با علم و عمل خود باید مسیر امت را هدایت کنند (طوسی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۷). مقام معظم رهبری نیز در بیان روشن این پیوند می‌فرماید: «اگر حوزه علمیه از صحنه‌ی اجتماع و اخلاق کناره گیرد، از مسیر پیامبران فاصله گرفته است؛ زیرا حوزه باید عقل، علم و معنویت را توأمان در جامعه تزریق کند» (رهبر انقلاب، دیدار نخبگان حوزوی، ۱۳ آذر ۱۳۷۴).

شهید مطهری نیز در آثار خود با تأکید بر ماهیت تمدنی حوزه، عالم دینی را «ادامه‌دهنده‌ی مسیر انبیا» معرفی می‌کند؛ نه مجرد آموزگار احکام، بلکه سازنده‌ی روح ایمان و اخلاق در کالبد جامعه (مطهری، بی‌تا، ده گفتار، ص ۲۳۹). بدین ترتیب، حوزه‌های علمیه در منظومه تمدنی اسلام، نوعی «نیابت از نبوت» را بر عهده دارند؛ یعنی استمرار رسالت پیامبران در تحقق دین در متن اجتماع.

موانع بیرونی نشان می‌دهد که حوزه‌های علمیه برای ایفای نقش تمدن‌ساز خود باید به صورت فعالانه در عرصه فرهنگی و رسانه‌ای حضور یابند و با تولید گفتمان‌های مبتنی بر ارزش‌های دینی و اخلاقی، ضمن مقابله با نفوذ فرهنگی خارجی، جایگاه خود را در هدایت جامعه و حفظ هویت دینی و اخلاقی تقویت کنند.

۸-۳- موانع کارکردی:

حوزه‌های علمیه علاوه بر موانع درونی و بیرونی، با موانع کارکردی نیز مواجه هستند که بر اثربخشی فعالیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی آن‌ها تاثیر می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین این موانع، تعامل ناکافی حوزه با دانشگاه و سایر نهادهای علمی است که مانع بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشترک و توسعه پژوهش‌های کاربردی می‌شود. همچنین، نبود نظام منسجم ارتباطی میان آموزش، پژوهش و تبلیغ سبب شده است بسیاری از دستاوردهای علمی حوزه به جامعه منتقل نشود و تأثیرگذاری مستقیم آن در عرصه اجتماعی محدود بماند. (درویش‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۶۲)

این خلأها در کارکرد حوزه‌ها نشان می‌دهد که فعالیت‌های علمی و آموزشی بدون هماهنگی با نیازهای جامعه و شبکه‌های فرهنگی، نمی‌توانند نقش تمدن‌ساز و هدایتگر اخلاقی خود را به شکل کامل ایفا کنند. رهبر انقلاب نیز در ۱۴ آذر ۱۳۹۴ هشدار داده‌اند که «اگر حوزه به مسائل اجتماعی بی‌اعتنا بماند، از مسیر تمدن‌سازی خارج می‌شود» و اهمیت ارتباط عملی حوزه با جامعه را مورد تأکید قرار داده‌اند.

برای رفع موانع کارکردی، ایجاد تعامل فعال و مستمر میان حوزه و دانشگاه، تقویت شبکه‌های ارتباطی میان آموزش، پژوهش و تبلیغ و توجه جدی به نیازهای اجتماعی جامعه ضروری است. تنها از طریق این هماهنگی و ارتباط مؤثر، حوزه می‌تواند رسالت تمدن‌ساز و هدایتگری خود را به طور کامل محقق کند.

۹- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای کاربردی:

این پژوهش با هدف بازخوانی نقش تمدن‌ساز حوزه‌های علمیه در بازسازی دینی و اخلاقی جامعه اسلامی انجام شد و نتایج حاصل نشان می‌دهد که این نهاد دینی، بنا بر ماهیت تاریخی و رسالت معرفتی خود، دارای ظرفیت‌هایی بنیادین در عرصه

بازسازی هویت دینی، تحکیم اخلاق اجتماعی و هدایت فرهنگی جامعه است. یافته‌ها بیانگر آن است که نقش حوزه‌ها فراتر از آموزش سنتی علوم دینی بوده و ابعاد سه‌گانه «علمی-آموزشی»، «تبلیغی-رسانه‌ای» و «فرهنگی-اجتماعی» در شکل‌گیری کارکرد تمدنی آن مؤثر است. این سه بعد، هنگامی که در کنار یکدیگر و در پیوند با نیازهای واقعی جامعه عمل کنند، می‌توانند به تقویت عقلانیت دینی، ارتقای اخلاق عمومی و افزایش تاب‌آوری فرهنگی جامعه اسلامی منجر شوند.

این تحقیق نشان داد که بازخوانی نقش تمدن‌ساز حوزه‌های علمیه ناظر بر دو محور کلیدی است: نخست، تبیین جایگاه معرفتی و اخلاقی حوزه در منظومه فکری اسلام؛ و دوم، ترسیم نحوه حضور فعال این نهاد در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی معاصر. نتایج حاکی از آن است که حوزه‌ها در صورتی قادر به ایفای نقش تمدنی خواهند بود که میان «تولید معرفت دینی» و «کاربست اجتماعی آن» پیوندی ساختاری برقرار کنند و فعالیت علمی، تبلیغی و فرهنگی آنان در قالب یک نظام منسجم و مسئله‌محور سامان یابد. بررسی ادبیات و یافته‌ها نشان داد که یکی از نوآوری‌های این تحقیق، ارائه تحلیلی یکپارچه از کارکردهای حوزه در سه سطح «معرفتی، فرهنگی و تمدنی» و تبیین موانع تحقق این کارکردهاست؛ امری که در پژوهش‌های پیشین کمتر به‌صورت جامع مورد توجه قرار گرفته است. همچنین این پژوهش با نشان دادن نقش حوزه در برابر تهدیدات نرم فرهنگی و چالش‌های رسانه‌ای معاصر، الگوی جدیدی از «تبلیغ تمدنی» را برجسته می‌سازد که می‌تواند برای سیاست‌گذاری دینی و فرهنگی اهمیت کاربردی داشته باشد. یافته‌ها روشن کرد که موانع تحقق نقش تمدنی حوزه‌ها در سه دسته قابل تحلیل است: چالش‌های درونی (رکود ساختار آموزشی، ضعف پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، فاصله آموزش و اجتماع)، چالش‌های بیرونی (جنگ نرم، تغییر سبک زندگی، فشارهای رسانه‌ای) و موانع کارکردی (گسست حوزه و دانشگاه، عدم انسجام تبلیغی، نبود نظام ارتباطی مؤثر با جامعه). بر این اساس، تحقق نقش تمدن‌ساز حوزه تنها زمانی ممکن خواهد بود که تحول در نگرش، بازسازی در ساختار و بازآرایی در کارکردهای حوزه به‌صورت هماهنگ صورت گیرد.

بر پایه این نتایج، می‌توان تأکید کرد که حوزه‌های علمیه برای حفظ و تقویت نقش تمدنی خود ناگزیر به بازنگری در نظام آموزشی، گسترش مهارت‌های تبلیغی-رسانه‌ای، توسعه رویکردهای میان‌رشته‌ای، تقویت ارتباط با دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی، ایجاد شبکه‌های تبلیغ تمدنی و طراحی نظام رصد فرهنگی هستند. این اقدامات، زمینه بازگشت حوزه به رسالت اصیل خود یعنی «هدایت دینی و اخلاقی جامعه» را تقویت کرده و جایگاه آن را در ساخت تمدن نوین اسلامی تثبیت خواهد کرد.

از آنجا که این پژوهش به‌صورت تحقیق کتابخانه‌ای انجام شده است، محدودیت اصلی آن به نبود داده‌های میدانی و تجربی بازمی‌گردد. بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با روش‌های میدانی، تحلیل موردی نهادهای تبلیغی حوزه، یا مطالعات تطبیقی حوزه‌های علمیه در سایر کشورهای اسلامی ادامه یابد. همچنین طراحی الگوی عملیاتی برای «نظام تبلیغ تمدنی»، «پیوند حوزه با نهادهای فرهنگی» و «تقویت سواد رسانه‌ای در حوزه‌ها» می‌تواند مسیرهای جدیدی برای توسعه ادبیات این حوزه فراهم آورد.

- پیشنهادهای کاربردی:

۱. بازنگری در نظام آموزشی حوزه‌ها:

طراحی دروس جدید با محوریت رسانه، روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و اقتصاد

۲. ایجاد کرسی‌های مناظره و آزاداندیشی در حوزه: در جهت پرورش طلابی با قدرت گفت‌وگوی تمدنی و مسلط به علوم روز و توانایی مقابله‌ی فکری با جریان‌های سکولار (پورحسین، ۱۳۹۵، ص ۲۴).

۳. تشکیل کارگروه‌های مشترک میان حوزه و دانشگاه در زمینه علوم انسانی اسلامی، تربیت رسانه‌ای و مطالعات اخلاقی (درویش‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۷۰).

۴. تقویت نظام تبلیغ تمدنی:

استفاده از رسانه‌های نو و هنر دینی برای انتقال مفاهیم قرآنی و اخلاقی (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۳۱).

۵. ایجاد نهادهای رصد فرهنگی و تمدنی در حوزه های علمیه در جهت پایش تهدیدات نرم و طراحی واکنش‌های فرهنگی هوشمندانه (رمضان‌علی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۵).

۱۰- فهرست منابع:

۱-۱۰- کتاب:

*قرآن کریم.

۱- آلموند، گابریل و پاول، بی (۱۳۷۷) *نظام‌های سیاسی: تحلیل تطبیقی*. ترجمه: باقر ساروخانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۵)، *کتاب حوزه و روحانیت در آینده رهنمودهای مقام معظم رهبری*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

۳- جعفری، علامه محمد تقی (۱۳۷۳)، *فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو* (جلد ششم). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

۴- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (۱۳۹۸)، *نقش حوزه‌های علمیه در تحقق تمدن نوین اسلامی*. قم: انتشارات انقلاب اسلامی.

۵- دورانت، ویل (۱۳۹۵)، *بررسی تاریخ تمدن* (احمد بطحایی، مترجم). تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

۶- رادمنش، عزت‌الله (بی تا)، *کلیات عقاید / این خلدون درباره فلسفه تاریخ و تمدن*. تهران: انتشارات قلم.

۷- ری شهری، محمد (۱۳۸۴)، *میزان / الحکمه*. تهران: دارالحديث.

۸- رضانی، رسول (۱۳۹۲) *جنگ نرم و راهبردهای مقابله با آن*. قم: نشر معارف.

۹- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.

۱۰- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق)، *بصائر الدرجات*، مترجم: محسن بن عباسعلی کوجه باغی، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.

۱۱- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸)، *المیزان*، مترجم: موسوی، محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۲- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۵ ق)، *الغیبه*. نجف: مطبعة الآداب.

۱۳- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷)، *الکافی*. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

۱۴- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹ ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

- ۱۵- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۳ق)، *بحار الأنوار*، مترجمان: محمد باقر بهبودی و دیگران، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ۱۶- مطهری، مرتضی (بی تا)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*. تهران: انتشارات صدرا.
- ۱۷- مطهری، مرتضی (بی تا)، *ده گفتار*. تهران: انتشارات صدرا.
- ۱۸- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، *فلسفه تاریخ* (جلد اول). تهران: انتشارات صدرا.
- ۱۹- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، *آینده انقلاب اسلامی*، صدرا: تهران.
- ۲۰- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۱)، *صحیفه نور* (ج ۲۱). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۱- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، *صحیفه امام* (جلد هشتم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۲۲- تاین بی، آرتولد (۱۳۷۶)، *بررسی تاریخ تمدن*، مترجم: محمد حسین آریا، تهران: امیر کبیر.
- ۱۰-۲- مقاله:
- ۲۳- آزادی، حامد (۱۴۰۳)، *تحلیل تاریخی نسبت دانش اجتماعی و تحولات تبلیغ در حوزه علمیه قم*، معرفت فرهنگ اجتماعی، شماره ۲، پیاپی ۵۸.
- ۲۴- الهی نژاد، حسین؛ میرزاده، حجت (۱۴۰۳)، *واکاوی رسالت حوزه‌ی علمیه‌ی مبتنی بر حکمرانی زمینه‌ساز*، دوره ۱۸، شماره ۴، صفحه ۳۴-۶.
- ۲۵- عبدالکریم، سروش (۱۳۶۷)، *بسط و قبض تئوریک شریعت، کیهان فرهنگی* - شماره ۵۰-۷، صفحه - از ۱۲ تا ۱۸.
- ۲۶- حسینی، محمد مهدی (۱۴۰۰)، *نقش حوزه‌های علمیه در تحقق تمدن نوین اسلامی*. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۴۳، ۱۴۸-۱۲۱.
- ۲۷- دارابی، علی (۱۳۹۶)، *حوزه‌های علمیه و ضرورت اهتمام به فقه رسانه؛ بایدها و نبایدها*. سیاست پژوهی، دوره ۴، شماره ۷.
- ۲۸- درویش زاده، مرتضی. (۱۳۹۴). *آسیب شناسی تعامل حوزه و دانشگاه*. فصلنامه پژوهش‌های اسلامی، ۱۸ (۲)، ۷۵-۵۵.
- ۲۹- رفیعی، احمد (۱۳۹۸) *آسیب شناسی کارکرد اجتماعی حوزه‌های علمیه*. فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی - اجتماعی، ۱۲ (۳)، ۴۵-۲۵.
- ۳۰- رضایی نسب، فرشته (۱۴۰۳)، *نقش جوانان در فرهنگ سازی و انتقال ارزش های جامعه*. پانزدهمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت.
- ۳۱- رمضان علی، رضانی (۱۳۹۲)، *نقش دانشگاه و حوزه‌های علمیه در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا*. فصلنامه مطالعات دفاعی، زمستان، ۱۷۴-۱۸۸.
- ۳۲- زمانی، مصطفی (۱۳۹۰)، *مبانی حاکم بر مهندسی تمدن نوین اسلامی ایرانی*. مجله روابط فرهنگی، پیش شماره ۳.

۳۳- صالحی، مهدی (۱۳۹۷)، *از تربیت تا تمدن: تبیین نقش تربیتی حوزه‌های علمیه در شکل‌گیری تمدن اسلامی*. مجله پژوهش‌های فرهنگی اسلامی، ۱۸، ۳۱-۵۴.

۳۴- عالی‌نژاد، فاطمه (۱۳۹۸)، *نقش خواهران طلبه در ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی*. مجموعه مقالات همایش ملی نقش زنان در سبک زندگی اسلامی-ایرانی.

۳۵- غفاری، علی (۱۳۹۹)، *نقش حوزه‌های علمیه در مهندسی فرهنگی جامعه اسلامی*. مجله فرهنگ اسلامی، ۸۲، ۶۵-۹۲.

۳۶- موسوی، سیده حکیمه و همکاران (۱۴۰۱)، *نقش حوزه‌های علمیه در صیانت دین در جوامع اسلامی*. فصلنامه علوم و معارف اسلامی، ۹ (۱۴)، ۲۴۷-۲۷۲.

۳۷- مهدوی، آسیه (۱۳۹۹)، *نقش بانوان طلبه در تحقق تمدن نوین اسلامی در گام دوم انقلاب*. سیلوپکیا.

۳۸- میرخلیلی، سید جواد (۱۳۹۸)، *تحول و نوسازی حوزه؛ نیمه‌نگاهی به دیدگاه‌های آیت‌الله/اعراف*. حوزه، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، دوره سی و ششم، شماره ۱۸۳ و ۱۸۴.

۳۹- میرخلیلی، سید جواد (۱۳۹۸)، *علامه مصباح یزدی، پیش‌گام تحول در حوزه علمیه*. حوزه، دوره جدید پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره ۸.

۴۰- نقوی، محمدجواد (۱۴۰۱)، *جایگاه حوزه در نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه اندیشه دینی و فرهنگی، ۳۵، ۸۸-۱۱۲.

۱۰-۳-سایت:

۴۱- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۴، ۱۳ آذر)، *بیانات در دیدار نخبگان حوزوی*.

۴۲- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۴، ۲۹ آذر)، *بیانات در دیدار طلاب حوزه علمیه قم*.

۴۳- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴، ۱۴ آذر)، *بیانات در دیدار اساتید و نخبگان حوزه علمیه قم*.

۴۴- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵، ۱۰ آذر)، *بیانات در دیدار نخبگان و فضایی حوزه علمیه قم*.

۴۵- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان حوزوی، ۱۴ آذر ۱۳۹۴.